



Status of Babur in literary history

*** Uzma Zareen Nazia**

Abstract:

Zaheerud din Muhammad babur pioneer of mughal dynasty in India, has always been centre of attraction for researchers and historians for many centuries for the remarkable literary legacy penned by him like Baburnama, Resala e walediye, Resala e urooz, Mubayyan, khatt e baburi, Fatawa e baburi and Diwan e sher (poetry)in Turkey uzbeki. This article revolves around the writings, wisdom and truthfulness of Babur in Turkish, Persian and Uzbek literature. Views of historians and researchers have also been vastly discussed.

Key words: Muhammad Zaheerud din Babur, Baburnama, Resala e walediye, khatt e baburi, Mubayyan

شخصیت علمی و ادبی بابر در تاریخ

*عظمی زرین نازیہ

چکیده:

بررسی میراث به جا مانده از ظہیر الدین محمد بابر پادشاه سر سلسله دودمان گورکانیان در ہند قرن ہاست کہ مورد توجہ پژوهشگران و محققان قرار گرفته است. بابر باخلق آثاری چون بابر نامہ (وقایع نامہ) رسالہ والدیہ، رسالہ عروض، مبین، خط بابری و فتاوی بابری و دیوان اشعار بہ ترکی ازبکی بخشی از پژوهش های تاریخی و ادبی عصر خود را بہ خود اختصاص دادہ است. مقالہ پیش رو پژوهشی است دربارہ میراث گرانسنگ بابر از نگاہ تأثیر گذاری این آثار در ادبیات ازبکی چغتائی و نشان دادن شخصیت ادبی و علمی بابر از دیدگاہ مورخان و محققان.

کلید واژه: محمد ظہیر الدین بابر، بابر نامہ، رسالہ والدیہ، خط بابری، مبین و نقد و نظر

پیشینه:

بررسی میراث به جا مانده از بابر، خاصه “بابر نامه” یا “وقائع بابری” سابقه دیرینه دارد. در اوائل قرن هیجدهم جان لیدن و ارسکین بابر نامه را به انگلیسی ترجمه کردند. در سال های بعد آثار به جا مانده از بابر، دست آویزی شد برای پژوهشگران، محققان، مورخان و ادیبان که در ابعاد مختلف در مورد بابر و آثار وی به تحقیق پردازند. ایلمینسکی (Ikilminis) و بوریدج (Beveridge) راه را برای پژوهش های بعدی باز کردند، ترجمه بابرنامه به زبان های روسی، فرانسه، آلمانی، عربی دایره تحقیق را گسترده کرد و با ترجمه این اثر به زبان اردو توسط میرزا نصیر الدین حیدر گورگانی (1962م) و رشید اختر ندوی (1965م) و دیگران سبب شد که مورخان اردو زبان هم در این باره به مطالعه پردازند. از بابر نامه ترجمه ای به فارسی از طرف ملک الکتاب شیرازی به صورت ناقص و مغلوپ صورت گرفته و به چاپ رسیده است، در ترکیه رحمتی آرات هم راه را برای پژوهش درباره بابر نامه گشوده است و نسخه های خطی این اثر در کتابخانه های انگلیس، هند، پاکستان، فرانسه و ایران موجود است.

مقدمه:

ظهیرالدین محمد بابر فرزند عمر شیخ میرزا نواده ابو سعید گورگانی در ششم محرم 888ق/14 فوریه 1483م به دنیا آمد. پس از مرگ پدر در دوازده سالگی زمام حکومت فرغانه را در دست گرفت و اقداماتی که از طرف عمومی خود سلطان احمد میرزا حاکم سمرقند و دایی بزرگش سلطان محمود میرزا حاکم تاشقند برای ساقط کردن وی از حکومت صورت گرفته بود، بی اثر ساخت. (فرشته، ۱۳۸۹، ص 2) بابر در محرم 910ق/1504م کابل را به تصرف خود در آورد و توانست قبائل آن حوزه را خراج گزار خود سازد (خواندمیر، ۱۳۸۰، ص 100) و در سال 911ق/1505م به درخواست سلطان حسین میرزا بایقرا به هرات رفت ولی در مقابل شیبانی خان ازبک تاب نیاورد مجدداً به هندوکش برگشت، در سال 913ق/1507م قندهار را به تصرف خود در آورد اما با حمله شیبانی خان به این شد قندهار را رها کرده به سوی هندوستان روی آورد. درین میان جنگ شاه اسماعیل و شیبانی خان در سال 916ق/اکتبر 1510م رخ داد (امین هروی، ۱۳۸۳، ص 345)

شکست ازبک ها و کشته شدن شیبانی خان راه را برای بابر هموار کرد و پس از سرگردانی و کشمکش های فراوان در جمادی الثانی سال 928ق/1522م قندهار را به تصرف در آورد (نظام الدین، ۱۹۴۷م، ص 26) و از آن پس متوجه به هندوستان شد. بابر در 932ق/1526م در پانی پت قوای سلطان ابراهیم را شکست داد و دهلی و آگره را به تصرف خود در آورد. مدتی حوزه حکومت خود را تا بنگال توسعه داد و سر انجام توانست امپراتوری مغولی هند را تاسیس نماید و جانشینان وی حدود 350 سال بر هند حکومت

راندند. بابر در پنجم جمادی الاول 937/25 دسامبر 1530 در آگره درگذشت. جسدش را به کابل منتقل کردند و به خاک سپردند (فرشته، ۱۳۸۹، ص 57)

شخصیت علمی و فرهنگی بابر بادشاه:

بابر در تاریخ نه تنها یک چهره نظامی بود بلکه به عنوان یک شخصیت علمی و ادبی قرن نهم و اوائل قرن دهم شناخته شده است. بابر علاوه بر شخصیت سپاهی، شاعری توانا، نثر نگار زبردست، جغرافی دان واقعی، هنردوست و موسیقی شناس بود. این صفات فرهنگی و علمی و ادبی در بابر نامه تجلی نموده است. یکی از صفات بارز بابر بادشاه راستگویی اوست که در اثر جاویدان بابر نامه یا وقایع بابری دیده می شود، چه بابر دیدنی های خود و آنچه بر او گذشته است به روشنی و صادقانه بیان کرده است. بابر به هر محیطی که قدم گذاشت از وضع جغرافیایی، اقتصادی، آب و هوا، زراعت، حیوانات اهلی و وحشی، راه ها، حصارهای جنگی، اخلاق و آداب مردم، اوضاع علمی و ادبی و حتی افکار و نظریات رجال مقتدر با دقت و بصیرت کامل اطلاعات کس کرده و ثبت کرده است. بابر سرگذشت خود را از جوانی تا پایان سال های عمر خود را به زبان ترکی چغتائی به رشته تحریر در آورده است. این اثر صرفاً یک زندگی نامه نیست. روح تحلیل گر بابر در شرح وقایع و توضیح آثار هنری و وصف خلیقات اشخاص از هر لحاظ قابل توجه است. با توجه به ویژگی های علمی بابر، می توان او را از افراد کم نظیری دانست که از نظر علمی و ادبی در جایگاه والایی قرار دارد. توجه به آثار باز مانده وی چون رساله والدیه، رساله عروض، دیوان شعر، مبین، فتاوی بابری، خاصه خاطرات وی که بابر نامه مشهور است نشان می دهد که بابر از وقایع و خلق آثار بدیع و ابداع خط بابری بهره برده است.¹

نویسی در اثر ماندگار و مشهور خود مجالس النفایس، فضایل و کمالات بابر را ستود و می نویسد "بابر نادره زمان بود و شعر ترکی و فارسی خوب می سرود (نوایی، علی شیر، ۱۳۶۳، ص 174) توجه به آثار باز مانده بابر، وسعت حوزه دانش وی را در عرصه های علمی نشان می دهد. همین آثار بعد ها از طرف محققان و پژوهش گران مورد تحقیق و تدقیق قرار گرفته است. اشاره به آثار بابر فهم ما را در درک عمق بینش بابر در عرصه های مختلف نشان می دهد.

¹. بابر در سال 910 ق/1514 م دست به اختراع خطی زد که به خط بابری مشهور است. بابر با این خط قرآنی نوشت که اینک این دستنوشته بابر در کتابخانه آستان قدس رضوی مشهد به شماره 50 نگهداری می شود.

1. **رساله والدیه منظوم:** رساله والدیه اثر خواجه ناصر الدین عبیدالله شاشی (سمرقندی) مشهور به احرار از بزرگان مشائخ نقشبندیه ماوراء النهر است. بابر به عبید الله ارادت تمام داشت و به همین مناسبت رساله والدیه احرار را که به فارسی بود، به ترکی به نظم کشید، بابر دلیل منظوم کردن این اثر را اجابت شدن حاجت وی در رفع تیبی که بر وی عارض شده بود می داند و در مقدمه رساله والدیه احرار را که در سال 925ق نوشته به این موضوع اشاره کرده است. بابر رساله والدیه را در قالب مثنوی در 443 بیت در بحر رمل مسدس مخبون (فعالتن فعالتن فعل) به ترکی چغتائی به نظم کشید (بابر، رساله والدیه، نسخه رامپور، ص سی و یک).

بابر پس از اتمام نظم رساله بابریه، نسخه ای از آن را نزد احمد خواجگی کاسانی می فرستد و کاسانی ترجمه رساله را می پسندد. ابو الفضل علامی نیز ترجمه رساله والدیه را پسندیده و به غایت مطبوع دانسته. (علامی، ابوالفضل، 1385ش، ص 185) نسخه خطی از رساله والدیه علاوه بر کتابخانه های مختلف جهان نسخه ای نیز در کتابخانه گنج بخش اسلام آباد پاکستان به شماره ی 5658 موجود است (منزوی، 1359ش، ج 2).

2. **رساله ی عروض:** بابر رساله عروض اشعار ترکی به نظم سروده که سال تالیف آن 932ق/1520م است. رساله عروض بابر در شرح عروض اشعار ترکی چغتائی اهمیت به سزایی دارد. بابر رساله عروض را پس از گذشت سی سال از نوشتن میزان الاوزان نوایی نوشته است اما اضافاتی که رساله عروض بابر بر رساله نوایی دارد اهمیت رساله عروض بابر را افزونی بخشیده است. بابر درین رساله نمونه هایی از اشعار بیش از شصت شاعر بهره برده است. ازین جهت در شناخت ادبیات ترکی چغتائی بسیار سودمند است (عراقی، احمد طاهری، ص 62). رساله عروض متعلق به کتابخانه پاریس به شماره 1208 به صورت عکسی در 1971م در تاشقند ازبکستان و در سال 1972م به خط سیریلیک در مسکو به چاپ رسیده است (مله بیف، نتن، ص 821)

دیوان شعری بابر:

از بابر دیوان شعر به زبان ترکی چغتائی باقی مانده است، اشعار بابر به دلیل قابل فهم بودن در میان عامه مردم مورد استقبال قرار گرفت. اشعار بابر مشتمل بر غزلیات، رباعیات و قطعه است. محتوای اشعار ترکی بابر دید متفاوت وی را به جهان مستی نشان می دهد. فواد کوپرولو اشعار بابر را هم سطح اشعار امیر علی شیر نوائی دانسته و می نویسد: «بابر عواطف و احساس خود را به زبان ساده و به سبک خالی از تکلف بیان می کند» (عراقی، احمد طاهری، ص 62). بررسی محتوای اشعار بابر چیرگی او را در سرودن اشعار در غزل، رباعی، قطعه و مثنوی نشان می دهد، از آن روز اسنادی وی در سرودن اشعار به ترکی و فارسی سبب شد که شاعران رو به دربار وی آوردند. از دیوان اشعار بابر نسخه های خطی متعدد در کتاب خانه های

استانبول، کتابخانه پاریس، موزه ملی هند و کتاب خانه رامپور موجود داشت. دیوان اشعار بابر به تصحیح شفیقه یارقین در سال 1982م از طرف اکادمی علوم افغانستان به چاپ رسیده است.

مبیین از آثار دیگر بابر که به نظم سروده شده است کتاب فقهی مبیین است. بابر درین کتاب نیز به مسائل فقهی و اخلاقی و اقتصادی پرداخته و نظر خود را بر اساس فقه حنفی بیان کرده است، به عبارت دیگر می توان گفت که این اثر که مشتمل بر دو هزار بیت است موضوعات دینی و اخلاقی و اقتصادی را در بر می گیرد. بخش زکوة مبیین از طرف موسسه اقتصاد اکادمی علوم ازبکستان در سال 1960م به چاپ رسیده است. نسخه ای از مبیین به شماره 104 در موسسه مردم آسیا در لینن گراد (پترز بورگ) موجود است.

فتاوی بابر :

این کتاب از بابر نیست ولی بر دستور بابر درباره مسائل شرعی فقه حنفی تالیف شده است. این اثر در سال 1519/ق 925م نوشته شده است. فتاوی بابر شامل احکام فقهی است و از نص زکات و حج با مبیین اشتراکاتی دارد. نسخه خطی این اثر در گنج بخش اسلام آباد پاکستان به شماره 13928 و 8228 موجود است. خط بابر یکی از کارهای شگفت انگیز بابر، ایجاد خط جدیدی است که با خط بابر معروف است. از انگیزه ای از اختراع این خط بابر در خاطرات خود بحثی نکرده است. در حوادث سال 910ق می نویسد که در کابل این خط را ایجاد کرده است و همواره نسبت به رواج این خط تلاش می کرد و بابر با این خط قرآنی نوشته که نسخه آن در کتابخانه آستان قدس رضوی به شماره 50 موجود است (فضل الله، ص 178). روزگار بدیع و یادگار بابر که یادنامه او را در عرصه ادب اوزبکی نام آور ساخته بابر نامیده است. این کتاب که به نام های توزک بابر یا وقایع بابر از آن یاد شده است (بدایونی، 1380، ص 241) نمودار خوبی از شخصیت ادبی بابر است. که به ترکی چغتائی نوشته شده است. و به نوشته عبد الحی حبیبی از قید تقلید نثر نگاری السنه دیگر مانند فارسی و عربی آزاد است و به طرز ادا و جمله بندی و قواعد زبان ازبکی نزدیک تر است و گویندگان این زبان آن را به سهولت می خوانند (حبیبی، 1383ش، ص 51) اطلاعات که بابر در زمینه شرح حال ادباء آن عصر در خاطرات خود آورده اغلب تازه و در متون دیگر نیامده است. بابر با چیرگی که در بیان حوادث داشت با نثری بسیار روان و شیرین بیان کرده است. طرز تحریر بابر ساده است و نگاه او به مسائل ادبی و علمی و اجتماعی عمیق است. چهره حقیقی معاصران خود را به خوبی تصویر می کند (حبیبی، 1383ش، ص 54) و در حقیقت می توان گفت که بابر نامه از شناسائی احوال علما و شاعران و هنرمندان عصر خود مرجع خوبی است (حبیبی، 1383ش، ص 58) قریحه شاعری و ذوق ادبی و توانایی بابر در نگارش اثر وی را از سائر آثار وی متمایز ساخته است (ادبیات اسلامی هند، ص 24). در این اثر ترجمه های متعددی در دست است که مشهور ترین آن ها ترجمه عبد الرحیم خان خانان است. دیگری ترجمه میرزا پاینده

غوری و محمد قلی حصارى که به سال 994 صورت گرفته و ترجمه بخش هند آن از طرف شیخ زین الدین خوافی انجام یافته که در سال 936ق در زمان حیات بابر بوده و ترجمه دیگر از فرد نا شناسی که نسخه آن در کتابخانه کاخ گلستان تهران (ایران) موجود است. نسخه های خطی بابر نامه در کتابخانه های مختلف جهان موجود است. در این نسخه ها می توان به نسخه کتابخانه گنج بخش اسلام آباد پاکستان که به شماره 1239 نگهداری می شود اشاره کرد. نسخه مصور بابر نامه در موزه بریتانیا نگهداری می شود. این نسخه به دستور اکبر شاه تهیه و تصویر گزاری شده است و به شماره OR 3714 نگهداری می شود. بابرنامه از طرف خانم بوریچ نسخه حیدرآباد را که به ترکی است در سال 1905 م به صورت فاکسیه چاپ کرده است. بعد ها این اثر از طرف رحمتی آرات به ترکی استانبولی برگردان و چاپ شد (سال 1943م) و ترجمه انگلیسی بابر نامه توسط ویلیام تکنسن (w. Thacknson) در سال 1993م از طرف دانشگاه هاروارد به چاپ رسیده است. متن فارسی عبد الرحیم خان خانان به صورت ناقص توسط ملک الکتاب شیرازی با عنوان تجارب الملوک به صورت چاپ سنگی در سال 1208ق/1890م در بمبئی به چاپ رسیده است. از بابر نامه چندین ترجمه به اردو موجود است. از جمله می توان به ترجمه نصرالدین حیدر گورکانی اشاره کرد که در سال 1162 م با عنوان توزک بابری در کراچی به چاپ رسیده است. در ژاپن نیز از طرف "ایچی مانو" بر اساس نسخه حیدرآباد در سال 1995م چاپ شده است.

علی بن صیفور بسطامی در حقایق السلاطین نیز از بابر به عنوان "سر آمد اهل روزگار در نظم و اشعار و پیشرو شعرای بلاغت شعار" (بسطامی، ص 18) ستایش می کند. ابوالفضل علامی، در اکبرنامه از بابر به عنوان ادیب و شاعری توانمند یاد کرده است (علامی، ص 185)، و میرزا حیدر دوغلات می نویسد "وقایع نامه به زبان ترکی در غایت سلاست و روانی و عبارت پاکیزه نوشته شده است (دوغلات، ص 265) و سام میرزا در مقام علمی و ادبی بابر می نویسد: "در موسیقی و آواز، پیشرو اهل روزگار و در شعر خصوصاً همچو آفتاب مطلع اخیار بود (سام مرزا، 1389، ص 23).

اشعار ترکی بابر رنگ و بوی طبیعت را دارد. وی که عاشق طبیعت بود هر جا که سر سبزی و مرغزاری بود، بساط باده گساری را پهن می کرد. روح لطیف بابر و توانمندی وی در سرودن اشعار چهره معشوق، رنگ شراب و شور زندگی را با طبیعت پیوند می زد و به تشبیه سازی می پرداخت (بابر، مقدمه، ص پنجاه و نه). آگاهی عمیق و یاز دانش عصر خود سبب شده بود که شاعران، نویسندگان، موسیقی دانان و عالمان دیندار در دربار وی در رفت و آمد باشند. بزرگانی چون شیخ زین الدین خوافی¹ (اصغر، آفتاب 1985م، ص 52)، مولانا سیف بخارایی، مولانا شهاب الدین گروه معمایی، سلطان محمد کوسه، کمال الدین بنایی، میرزا

¹. شیخ زین الدین خوافی بخش هند از خاطرات بابر را؛ نثری منشیانه در سال 926ق به فارسی برگردانده است.

ابراہیم قانونی، خواجگی کاسانی¹، آتشی قندھاری، عبداللہ مثنوی گوی، غیاث الدین خواند میر و دہ ہا ادیب و شاعر دیگر را می توان نام برد (علامی، ص ۱۸۷؛ اصغر، آفتاب، ص 53)

مولانا میر علی حسینی ہروی ضمن ستایش فضل و دانش بابر در ابیاتی بابر را مدح گفته است:

سر من خاک رہ پادشہ
ملک سخن
فخر شاہان مما لک شرف
نسل قمر

(مقصود امیر تیمور است)

پادشاه، فضلا، بحر سخا،
کان کرم
سر ارباب ہنر شاہ محمد بابر

(خوانساری، سہیلی، ۲۰۲۰م، ص 80)

بابر در علم و ادب در جایگاہی بود کہ می توانست سرہ را از نا سرہ تشخیص دہد و آثار بزرگان ادب آن عصر را بہ نقد کشد و آثار امیر علی شیر نوایی، شبنم بیگ متخلص بہ سہیلی، کمال الدین حسین گازرگاہی از آن رستہ اند.

بابر در نقد اشعار امیر علی شیر نوایی معتقد است کہ برخی از اشعار وی سست است و بہ رسالہ میزان الاوزان نوایی کہ در باب عروض است می نویسند: عروض نوایی در بیست و چہار وزن رباعی است کہ در چہار وزن اشتباہ کردہ است و در اوزان بعضی ہم خطا کردہ است (بابر، ص 357). ولی در عین حال اطلاعات نوایی را در موسیقی می ستاید و می نویسند "دیگر در موسیقی خوب چیزها بستہ، خوب نقش ها و خوب پیش روها بستہ (بابر، ص 354)

بابر بہ مجالس العشاق کمال الدین گازرگاہی ہم نظر خوبی ندارد و محتوای آن را بی مزہ تلقی می کند (بابر، ص 366)

اما خواجہ عبد اللہ مروارید را می ستاید و می نویسند "بر فضایل کسی بعد قانون را مثل او کسی ننواختہ است (بابر، ص 362) و میر سر برہنہ کہ مقام صدر را داشت و عمر خود را دربارہ ی قصہ امیر حمزہ ضایع کردہ بود، بابر کار وی را نقییح کردہ و آن را مخالف طبع و عقل دانستہ".

¹. کاسانی رسالہ ای بہ نام بابر نوشتہ است کہ بہ بابریہ معروف است.

بابر در استخراج ماده های تاریخ نیز دستی داشت، ماده تاریخ، فتح دارالحرب (924) از آن جمع است. بابر این ماده تاریخ را پس از فتح قلعه چندیری ساخته است.

بود چندی مقام چندیری
 پر ز کفار دار حربی و
 ضرب
 فتح کردم به حرب قلعه او
 گشت تاریخ "فتح دارالحرب"

(بابر، ص 712)

نتیجه گیری:

آنچه مسلم است آثار بابر از ویژگی های زبانی و ادبی و تاریخی خاتمی برخوردار است که این امر بابر را چه در عرصه ادب و چه در تاریخ نویسی و ایجاد نثری محکم و روان در ادبیات ازبکی در جایگاه والایی قرار می دهد. نکته حائز اهمیت دیگر در آثار بابر دیدگاه وی به مسائل اجتماعی و فرهنگی است که بر روی تمام آثار وی سایه افکنده است. تعمق وی در مسائل ادبی، اقتصادی و اجتماعی نشان می دهد که بابر فردی صاحب نظر بوده است. در رساله عروض ابداعات جدیدی دارد بر علی شیر نوائی ایراد می گیرد. در مبین مسائل فقهی و اقتصادی را مطرح می کند. در اشعار ترکی و فارسی نگاه طبیعت گرانه را می بینم و مهارت و تسلط خود را به ادبیات چغتائی و ایران نشان می دهد. از ویژگی های مهم دیگر که سیمای وی را در میان شخصیت های تاریخی و ادبی و اجتماعی، جامعه شناس جغرافیا، زبان شناس قابل تحقیق و مطالعه است. بابر در آثار خود ترکیبی خوش آیند از نظم و نثر و هنر بیان می کند و دلبستگی فراوان خود را به میراث اخلاقی ادب فارسی نشان می دهد، استفاده از ابیات سعدی، خمسه ی نظامی، فردوسی و دیگر شاعران در مشروطیت بخشیدن به درستی سخن خود ازین باب است. آنچه می توان از محتوای مقاله نتیجه گیری کرد. اینکه بابر به فرهنگ چغتائی و فرهنگ ایران تعلق خاصی داشته و آثار خود را بدین زبان خلق کرده و اشعاری سروده و از این رو سیمای بابر خارج از وجه نظامی و تاریخی وی، سیمای فرهنگی و ادبی وی نیز در تاریخ ادب ازبکی جاودان و ماندگار کرده است.

منابع

- ## آزاد بلگرامی، میر غلام علی (۱۱۶۶ق) سرو آزاد، مائر الکرام، به کوشش عبد الله خان، به اهتمام عبدالحق، لاهور
- ## احمد، خواجه نظام الدین (۱۹۴۷م) طبقات اکبری، ایشیاتک سوسایتی، بنگال
- ## اصغر، آفتاب (۱۹۸۵م) تاریخ نویسی هندوپاکستان، خانه فرهنگ ایران، لاهور، پاکستان
- ## اصغر، آفتاب (۱۹۷۲م) فرهنگ دولتی، ظهیر الدین محمد بابر، هلال، ش 4، ص 37-40
- ## امینی هروی، صدر الدین (۱۳۸۳) فتوحات شاهی، تصحیح محمد رضا نصیری، انجمن آثار و مفاخر فرهنگی، تهران
- ## ان میری شیمیل (۱۳۷۲ش) ادبیات اسلامی هند، ترجمه یعقوب آژند، تهران، امیرکبیر
- ## بابر، ظهیر الدین (۱۳۶۲) دیوان ظهیر الدین بابر، تصحیح شفیقه یارقین، اکادمی علوم افغانستان، کابل
- ## بابر، ظهیر الدین (۱۹۷۱م) بابر نامه، به اهتمام بوریج، لوزاک، لندن
- ## بابر، ظهیر الدین (۱۹۹۵م) بابر نامه، تصحیح مانو ایزی تینک، کیوتر (ژاپن)
- ## بابر، ظهیر الدین، بابر نامه، نسخه خطی کاخ گلستان تهران، ش ۲۲۴۹
- ## بابر، ظهیر الدین، رساله عروض، نسخه خطی کاخ گلستان، تهران، ش 2249
- ## بابر، ظهیر الدین، رساله والدیہ، نسخه خطی، کاخ گلستان تهران، ش 2249
- ## بدایونی، عبدالقادر (۱۳۸۰ش) منتخب التواریخ، تصحیح مولوی احمد علی صاحب با مقدمه و اضافات توفیق سبحانی، انجمن آثار و مفاخر فرهنگی تهران
- ## حبیبی، عبدالحی (۱۲۸۳ق) ظهیر الدین محمد بابر شاه، انتشارات میروند، کابل
- ## خوافی، شیخ زین الدین، طبقات بابری، نسخه خطی موزه بریتانیا، ش 1999
- ## خوافی، نورالدین، فتاوی بابری، نسخه خطی گنج بخش اسلام آباد ش ۱۳۹۲۸
- ## خواند میر، غیاث الدین (۱۳۸۰م) تاریخ حبیب السیر، ج ۱، انتشارات خیام، تهران
- ## دوغلات، میرزا حیدر (۱۳۸۳ش) تاریخ رشیدی، تصحیح عباس علی غفاری فرد، میراث مکتوب تهران
- ## عراقی، احمد طاهری (۱۳۷۵ش) آثار ادبی بابر، دانشنامه جهان اسلام، زیر نظر سید مصطفی میر سلیم، بنیاد دائرة المعارف اسلامی، تهران
- ## علامی، ابوالفضل (۱۳۸۵ش) اکبر نامه، تصحیح غلام رضا طباطبایی، انجمن آثار و مفاخر فرهنگی تهران

##- فخری هروی (۱۳۴۵ش) تذکره روضة السلاطین، تصحیح عبد الرسول خیامپور، مدرسه تاریخ و فرهنگ ایران، تبریز

##- فرشته، محمد قاسم (۱۳۸۹ش) تاریخ فرشته، تصحیح محمد رضا نصیری، انجمن آثار مفاخر فرهنگی تهران

##- فضل الله، فاضل نیشاپوری، قرآن نفیس، منحصر به فرد بابری دراز خط اختراعی آن، فصلنامه کتابداری و اطلاع رسانی، ش 2، ص 1۳77

##- مبین، ظهیر الدین محمد بابر، نسخه خطی کتابخانه، کاخ گلستان، تهران، ش 2249

##- منشی، قاضی احمد (۱۳۶۶) گلستان هنر به کوشش احمد سهیلی خوانساری، بنیاد فرهنگ ایران، تهران
نوابی، علی شیر، میر نظام الدین علی (۱۳۶۳ش) تذکره مجالس النفایس، به اهتمام علی اصغر حکمت،
منوچهری، تهران

##- یادگار احمد (۱۳۹۰ش) تاریخ شاهی، تصحیح محمد حسین هدایت، اساطیر تهران

Baburname,(1993A.D) Zahiruddin Muhammad, Edited by W.M. Thackslon, Harvard,
1993.